

بازیگران ماجرای "ایران گیت" چه کسانی بودند؟

مجتبی زارعی

روز چهارم خردادماه سال 1365 رابرت مک فارلین مشاور امنیت ملی ایالات متحده در اقدامی محیر العقول با یک هواپیمای خصوصی واشینگتن را به مقصد تل آویو ترک کرد و پس از اقامتی کوتاه در تل آویو و همراه شدن با امیرام نیر مشاور نخست‌وزیر اسرائیل، وارد فرودگاه مهرآباد تهران شد. اکبر هاشمی رفسنجانی در تهران منتظر مک فارلین بود تا درباره موضوعات مهم و اساسی با او مذاکره کند. اما امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی زمانی که از طرف مذاکره کننده ایرانی پرسید که موضوع مذاکرات چیست و پاسخ شنید: چند موشک و گروگان‌های آمریکایی در لبنان، دستور داد تا مقامی از ایران با مک فارلین که در هتل استقلال مستقر شده بود،



دیدار کند که سطح کارش گروگان و موشک باشد؛ در نتیجه وردی نژاد و محمد علی هادی برای مذاکره به هتل استقلال رفتند. اصرار هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی برای حضور در مذاکرات نیز نتیجه‌ای نداشت و همین مسئله سبب شد تا رابرت مک فارلین، الیور نورث و امیرام نیر بعد از سه روز معطلی در تهران به تل آویو و واشینگتن بازگردند و در گزارش‌هایشان بنویسند که ایرانی‌ها علی‌رغم توافقات قبلی تمایلی نداشتند درباره موضوعات مهم و اساسی مذاکره کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی کوتاه از بازیگران ماجرای ایران گیت است:

اکبر هاشمی رفسنجانی: رئیس مجلس وقت ایران، با توجه به این که مسئولیت اداره جنگ را نیز بر عهده داشته به صورت مستقیم در ماجرا وارد شده و هدایت بخش ایرانی را به عهده گرفته بود. هاشمی در روز 13 آبان سال 65 در سخنرانی مقابل لانه جاسوسی آمریکا به افشای ماجرای مک‌فارلین پرداخت. رسانه‌های خارجی او را همتای ایرانی ریگان می‌دانستند. رونالد ریگان: با این که کمیسیون تاور او را از قانون شکنی در ماجرای ایران-کنترا تبرئه کرد اما او از روز اول از معامله تسلیحاتی خبر داشت. برخی دستور شلیک به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس را به عصبانیت ریگان از تحقیرش در ماجرای مک‌فارلین نسبت می‌دهند. وی در 4 مارس 1987 در یک نطق تلویزیونی مسئولیت همه اقداماتی را که بدون اطلاع وی روی داده و به تجارت اسلحه در برابر گروگان‌ها از سوی ایران منجر شده بود، پذیرفت. پیش از این ریگان معامله تسلیحاتی در برابر گروگان‌ها را نپذیرفته بود.

میرحسین موسوی: هر چند نخست‌وزیر وقت ایران در نامه‌ای اظهار می‌دارد که در جریان سفر مک‌فارلین نبوده اما واسطه‌گری محسن کنگرلو از نزدیک‌ترین یارانش نقش موسوی را برجسته می‌کند. در منابع انگلیسی منوچهر قربانی‌فر، موسوی را دوست صمیمی خود می‌داند. او اخیراً اظهار داشته که در دیدار سران قوا در سال 65 با امام خمینی، از همه کم و کیف ماجرا خبر داشته و آن را برای امام توضیح داده است.

رابرت مک‌فارلین: از سال 1983 تا انتهای سال 1985 مشاور امنیت ملی آمریکا بود. او که مدال‌های افتخار مختلفی به خاطر جنگ ویتنام گرفته بود، در میانه ماجرا به دستور ریگان سرپرستی هیأت آمریکایی - اسرائیلی برای سفر به تهران را بر عهده گرفت. او با گذرنامه ایرلندی و با نام شون دولین وارد تهران شد. مک فارلین بعدها گفت که در تهران تحقیر شده و انتظار داشته تا با مقامات ارشد ایران مذاکره کند. وی پس از افشای رسوایی ایران-کنترا استعفا داد. بعدها پس از اصرار فراوان کنگره آمریکا مبنی بر کشف مقصرین بحران ایران گیت که با مشخص شدن کمک آمریکا به کنترها در نیکاراگوئه به ایران کنترا معروف شد. در 22 مارس 1987 پس از دو سال از گذشتن ماجرا، مک‌فارلین با خوردن تعداد زیادی قرص و الیوم دست به خودکشی زد اما نجات یافت. او هم اکنون یکی از مشاوران سیاسی حزب جمهوریخواه است.

محسن رضایی: فرمانده وقت سپاه پاسداران در چند روز پیش از ورود مک‌فارلین متوجه روابط پنهانی مسئولین سیاسی با آمریکایی‌ها شده بود، تمایل داشت شخصاً هدایت مذاکرات را برعهده گیرد اما اقتدار هاشمی رفسنجانی مانع از این مسئله شد. محسن رضایی پس از بازگشت مک‌فارلین از تهران با واسطه کردن علی هاشمی کوشید تا رابطه با مسئولین امنیتی آمریکایی را ادامه دهد.

الیور نورث: افسر ارشد نیروی دریایی آمریکا که عامل اجرایی معامله اسلحه-گروگان بود. او دارای حق امضا برای برداشت از حسابی در سوئیس بود که ایران هزینه‌های سلاح را به آن واریز می‌کرد. نورث به همراه مک‌فارلین به تهران آمد و او بود که در مذاکرات با طرف ایرانی در هتل استقلال نقش اول را داشت. نورث پس از افشای واریز مبالغ سلاح‌ها به حساب

شورشیان نیکاراگوئه محاکمه شد اما از دادن هرگونه شهادت در رابطه با نقشش در نابود کردن مدارک مربوط به ماجرای ایران - کنترا خودداری کرد. الیور نورث هم‌اکنون تحلیلگر ارشد شبکه فاکس‌نیوز است و در همه گفت‌وگوهایش درباره ایران از گزینه حمله نظامی دفاع می‌کند. وی همچنین کتابی درباره ماجرای ایران-کنترا منتشر کرده است.

محسن کنگرلو: پیش از انقلاب از اعضای گروه فجر اسلام و گروه صف به رهبری محمد بروجردی بود. پس از انقلاب از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب شد و به خاطر نزدیکی با خسرو تهرانی و بهزاد نبوی پس از ماجرای هشت شهریور به اطلاعات نخست‌وزیری رفت و با نخست‌وزیری میرحسین موسوی مشاور امنیتی او شد. کنگرلو واسطه اصلی ایرانی ماجرای مکفارلین بود اما اجازه نیافت تا در مذاکرات حضور داشته باشد. ضعف او و تمایل شدید طرف امریکایی محدود نبودن کانال ارتباطی با یک نفر، سبب ارتباط گیری منوچهر قربانی‌فر با بیت حسینی منتظری و ارتباطگیری علی هاشمی با مقامات امریکایی شد. او پس از جنگ از ایران خارج شد و گفته می‌شود در یک کشور اروپایی ساکن است.

منوچهر قربانی‌فر: این دلالت بدنام و بدسابقه پیش از انقلاب از عوامل ساواک بود. در ماجرای کودتای نوژه از طرف بختیار مأمور تأمین پول و اسلحه برای کودتاگران بود. او در شب کودتا در حالی که لباس نظامی شاهنشاهی پوشیده بود قرار بود در عملیات تصرف صداوسیما شرکت کند اما با شکست کودتا از کشور فرار کرد. قربانی‌فر سپس با پوشش اطلاعاتی و امنیتی سازمان سیا به دلالتی اسلحه در کشورهای مختلف پرداخت. قربانی‌فر در ماجرای مکفارلین نقش اول را در ارتباط عوامل ایرانی و امریکایی بازی می‌کرد. در نامه معروفی که قربانی‌فر به کنگرلو نوشته، انگیزه‌اش را برای واسطه‌گری پرداختن سهمش در جنگ تحمیلی و جبران کوچکی از گذشته‌ها دانسته است. قربانی‌فر پس از آن که مأموریت مکفارلین با شکست نسبی روبه‌رو شد و مقداری از پولش نزد ایران بلوکه شد، اسناد و اسرار این معامله را به امید نجف‌آبادی دست راست حسینی منتظری داد. در گزارش کنگره درباره ایران-کنترا آمده است که قربانی‌فر در آزمون دروغ سنجی سازمان سیا مردود شده است. در سال‌های اخیر نیز، پس از حملات 11 سپتامبر قربانی‌فر دیدارهایی با دونالد رامسفلد وزیر دفاع وقت امریکا برای ایجاد ارتباطهایی با ایران درباره افغانستان داشت که رامسفلد مدعی شد چیز به‌مرد بخوری از این دیدارها به دست نیامده است. در آخرین مورد نیز به گزارش دستگاه‌های امنیتی ایران، قربانی‌فر شایعه کسالت و درگذشت رهبر انقلاب را در سال 85 به مایکل لدین داده است.

فریدون وردی‌نژاد: در سال 65 معاون اطلاعات سپاه بود و به نام مهدی نژاد شناخته می‌شد. هر چند محسن رضایی مدعی است، او وردی‌نژاد را به عنوان رابط اول ماجرای مکفارلین معرفی کرده اما به نظر می‌رسد که حضور وردی‌نژاد در مذاکرات از پیش تعیین شده و با نظر هاشمی رفسنجانی بوده است. وردی‌نژاد بعدها به مدیرعاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی و سفارت ایران در چین رسید اما هیچ‌گاه حاضر نشد درباره ماجرای مکفارلین توضیحی دهد.

امیرام نیر: در سال 1984 شیمون پرز نخست‌وزیر وقت اسرائیل او را به سمت مشاور امور ضدتروریسم خود منصوب کرد. نیر در ماجرای ایران-کنترا ناظر رژیم صهیونیستی بود و در کمال تعجب مکفارلین را در سفر به تهران همراهی کرد. برخی معتقدند که نیر عامل شکست مذاکرات مکفارلین در تهران بوده است. نیر که در جنگ 7 روزه یکی از چشم‌هایش را از دست داده بود با یکی از ثروتمندترین خانواده‌های مقیم سرزمین‌های اشغالی یعنی جودی موسی ازدواج کرد. پدر همسر نیر مالک بزرگترین روزنامه چاپ تل‌آویو (یدیعوت آحارنوت) بود. چند سال بعد نیر به لندن رفت و سازمان سیا به وسیله زنی به نام ادريانا استنتون او را تحت نظر گرفت. در پائیز 1988 نیر در حالی که برای سرکشی به باغ‌های میوه اش به مکزیکوسیتی رفته بود در یک سانحه هوایی کوچک کشته شد. در زمان حادثه یک چمدان با 700 هزار دلار پول در هواپیمای کوچک نیر بود. گفته می‌شود سازمان سیا با همکاری موساد نیر را به دلیل رفتارهای ضدامنیتی‌اش کشته‌اند.

علی هاشمی رفسنجانی: برادرزاده اکبر هاشمی رفسنجانی که به گفته خودش به صورت اتفاقی وارد ماجرای ارتباط محرمانه ایران و امریکا شد. گفته می‌شود او در این رابطه به بلژیک، ترکیه، امریکا و سرزمین‌های اشغالی برده شده است. اکبر هاشمی رفسنجانی معتقد است که محسن رضایی، علی هاشمی را شخصاً و بدون هماهنگی برای دور زدن او و میرحسین موسوی به ملاقات الیورنورث فرستاده اما نزدیکی قبلی و بعدی عمو و برادرزاده این احتمال را منتفی می‌کند. علی هاشمی بعدها به وزارت نفت رفت و در دوره ششم مجلس نیز عضویت داشت. علی هاشمی اخیراً خاطراتش را منتشر کرده است.

هوارد تیچر: مقام ارشد شورای عالی امنیت ملی امریکا، از روزهای اول جنگ درگیر میز ایران در واشنگتن بود. وی در سال 1993 اعتراف کرد که برآوردهایی که امریکا از قدرت نظامی ایران داشت از طریق سعودی‌ها در اختیار عراق قرار می‌گرفت و به عقیده تیچر همین برآوردها بود که عراق را مصمم به حمله به ایران کرد. تیچر که خود دو سال بر روی استراتژی جدید امریکا درباره ارتباطگیری با ایران کار کرده بود در مذاکرات تهران همواره می‌کوشید تا خطر شوروی را برای طرف ایرانی جا بیندازد و درگیری نظامی ایران و شوروی را غیرقابل اجتناب نشان دهد.

مهدی هاشمی: مشاور ارشد حسینی منتظری و رئیس نهضت‌های آزادیبخش سپاه در سال 64 را عامل انتشار خبر دیدار مکفارلین از تهران می‌دانند. مهدی هاشمی به دلیل عقاید تندروانه و سینوسی‌اش و قتل‌های زنجیره‌ای قتل و بعد از انقلاب مورد پیگرد دستگاه اطلاعاتی قرار داشت، در آبان 65 خبر آمیخته از واقعیت و کذب را در اختیار حسن الفحص خبرنگار مجله

الشراع قرار داد. حسن الفحص بعدها به استخدام شبکه ضدایرانی العربیه درآمد. انگیزه مهدی هاشمی از انتشار این خبر تشدید فشار بر رهبری نظام جهت عدم پیگیری جرایم بود. مهدی هاشمی این خبر را با واسطه محمدعلی هادی و امیدنجف آبادی به دست آورده بود. مهدی هاشمی چند روز پیش از انتشار این خبر در 20 مهر 1365 دستگیر و محاکمه شد و در 6 مهر 1365 اعدام شد.

عدنان خاشقچی: میلیاردر سعودی که عاشق عکس گرفتن و ارتباط با زنان هنرپیشه آمریکایی است، یک سال قبل از ماجرای مکهفارلین در هامبورگ آلمان با قربانی فر آشنا شد و او بود که وام‌های کلانی به قربانی فر می‌داد تا به معامله اسلحه با ایران بپردازد. او همچنین ترتیب جلسه‌ای را با حضور یعقوب نیمرودی ثروتمند اسرائیلی و مسئول دفتر موساد در تهران پیش از انقلاب با قربانی فر گذاشت و با این خط ارتباطی موساد وارد ماجرای مکهفارلین شد. خاشقچی همچنین در نامه‌ای به مکهفارلین، "منوچهر قربانی فر" را مشاور "میرحسین موسوی" نخست‌وزیر وقت ایران، رئیس سرویس‌های مخفی تهران در اروپا و عامل ارتباطی مناسب میان ایران و آمریکا معرفی کرده است. گفته می‌شود خاشقچی رابط گروه تجاری بن لادن در امریکاست. خاشقچی حدود 30 سال است که ارتباطات گسترده‌ای با مقامات ارشد سیا و موساد دارد.

مایکل لدین: او سال‌هاست که در دولت‌هایی که حزب جمهوریخواه تشکیل می‌دهد حضور دارد، در دولت دوم ریگان نیز او مشاور مکهفارلین در شورای عالی امنیت ملی ایالات متحده بود. در جریان ایران-کنترا، مایکل لدین با منوچهر قربانی فر، نخست‌وزیر اسرائیل شیمون پرز، مقامات وزارت امور خارجه اسرائیل و مقامات آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) دیدار کرد تا مقدمات نشست با مقامات بلند پایه ایران برای سفر مکهفارلین به تهران را فراهم کند. لدین در دولت جرج بوش معاون وزیر دفاع شد و خصمانه‌ترین مواضع را علیه جمهوری اسلامی ایران گرفت و خواستار حمله نظامی به ایران پیش از حمله به عراق شد. لدین که ارتباطات مشکوکی با برخی عوامل داخلی دارد در دو نوبت شایعات کذبی را درباره رهبر انقلاب اسلامی منتشر کرده است.

محمد علی هادی: از نزدیکان حسینعلی منتظری که به گفته هاشمی رفسنجانی به نمایندگی از رئیس‌مجلس در مذاکرات حضور داشت و احتمالاً یکی از کسانی بوده که گزارش این جلسات را به منتظری داده است. هادی که در سال 1365 نماینده مجلس و نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی بوده، بلند پایه‌ترین مقام ایرانی مذاکره با مکه فارلین بوده است. هادی که تحت پوشش هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی قرار داشت، بعدها معاون وزیر امور خارجه و سفیر ایران در عربستان و امارات شد. هادی با روی کار آمدن دولت نهم خود را بازنشسته کرد.

شیمون پرز: نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی به وسیله مشاور ارشدش در زیر ماجرای مکهفارلین قرار داشت. برخی معتقدند رژیم صهیونیستی از مذاکره بدون واسطه ایران و آمریکا هراسان بوده و تصمیم به بر هم زدن این معامله داشته است. گفته می‌شود هواپیمای مکهفارلین در مسیر تهران در تل‌آویو توقف داشته و ارسال سلاح‌هایی با مارک اسرائیلی در همانجا برنامه‌ریزی شده است. رونالد ریگان پس از آزادی گروگان‌ها در شهریور 1365 در تماسی تلفنی به شیمون پرز مراتب تشکر دولت متبوعش را به خاطر هماهنگ سازی رژیم صهیونیستی در انتقال تسلیحات به ایران ابراز داشت. شیمون پرز بعدها در دفاع از شرکت رژیم صهیونیستی در ماجرای ایران-کنترا گفت: "این‌که ما به ایرانیان اسلحه بدهیم فکر خود آمریکائیان بود. ما فقط به درخواست و اشنگتن وارد شدیم." پرز هم اکنون رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی است.

حسینعلی منتظری: با این که در آن زمان قائم مقام رهبری بود اما اکبر هاشمی رفسنجانی شکی نداشت که نباید او را در جریان اخبار قرار دهد، چون روابط ناسالم بیت منتظری با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی مانند لیبی آبرویی برای جمهوری اسلامی نمی‌گذاشت. اما ارسال اسناد معامله از سوی قربانی فر به امیدنجف آبادی، دست راست منتظری، سبب شد تا منتظری از ریز مذاکرات اطلاع یابد. منتظری هیچگاه ارتباطش با قربانی فر را رد نمی‌کند و در کتاب خاطراتش می‌نویسد: منوچهر قربانی فر برای من پیغام فرستاد که قرار است شما را از قائم مقامی عزل کنند!

حسن روحانی: در سال 1365 حسن روحانی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس بود. وی در واقع به مانند اکنون دست راست هاشمی رفسنجانی در مذاکرات بود. با ورود مکهفارلین به تهران، هاشمی رفسنجانی، روحانی را به عنوان مذاکره کننده معرفی می‌کند و در خاطراتش نیز بر این مسئله تأکید می‌کند اما نهی امام از ورود مقامات عالی‌رتبه به مذاکرات سبب شد تا روحانی در میز مذاکرات حضور نداشته باشد.

وبلاگ وردی نژاد به نقل از ویژه نامه انقلاب اسلامی روزنامه ایران سال 1389